

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۴ اگست ۲۰۱۴

مبارکباد به سِماطِ سخنِ دري چاپ "تکيه گاهِ سخن"

دیروز به ساعت ۷ دیگر، وقتی از هواخوری روزانه - که معمولاً با سواری بایسیکل صورت میگیرد - برگشتم، بر حسب عادت صندوق پوستی را باز کردم و چشم از دیدن بسته ای روشن گشت؛ بسته ای که چشم بر اهش بودم و بلکه چشمدرد پشتش میگشتم. دوست نازنینم، شاعر شیرینکلام و همکار گرامی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، جناب الحاج خلیل الله ناظم "باختری"، حدوداً دو هفته پیش ضمن صحبت تلفونی گفتند:

"مبارک باشه!!!"

گفتم تشکر، مگر نگفتید، که چه مبارک باشه؟؟؟ گفتند:

«"تکيه گاهِ سخن" از چاپ برآمد.»

سخت شادمان شدم و گفتم واقعاً جای خوشی و مبارکی ست. به خود ناظم صاحب مبارکی دادم و چاپ این کتاب را برآورده شدن یک آرزوی بزرگ و کارنامه ادبی آن برادر دانستم. گفتند: "فعلاً کتاب را با تیراژی محدود چاپ کرده ام، چون در نظر دارم، که همین تعداد را به دوستان طور یادگاری، اهداء نمایم."

سه چار روز بعدش که برایشان زنگ زدم، پرسیدند:

"کتاب نرسیده؟؟؟"

گفتم، هنوز نرسیده است. تعجب کردند، چون کتاب را به تاریخ ۲۲ جولای برایم پوست کرده بودند؛ یکجای با پارسل حاوی همین هدیه گرانبار به جناب ملک الشعراء استاد "اسیر". گفتند:

"پارسل در ظرف یک روز به استاد رسید، و نمیفامم که برای شما چرا نرسیده؟؟؟"

گفتم پوسته‌المان بسیار مطمئن است، حتماً میرسد. چندین روز دیگر گذشت و پارسل نرسید. ناظم صاحب که از طعل خوردن بسته نگران شده بودند، گفتند:

"خیر اس؛ رسید پوسته‌خانه پیشم اس و حتماً بدانجا مراجعه میکنم!!!"

معمول این سرزمین چنین است، که پوسته‌رسان محموله هرروزه را تا ساعت ده یازده روزهای دوشنبه تا شنبه به خانه‌ها میرساند، مگر مثلی که کسی دنبال چیزی بگردد، هر وقت و ساعتی که از خانه بیرون میشدم و یا وارد خانه، صندوق پوستی را باز میکردم؛ و از قضا که بعضی کارها خلاف معمول و سرچپه هم صورت میگردد؛ و وصول این پارسل هم چنین بود!!! مثلی که از پوست و پوسته‌خانه و پوسته‌رسان و ارسال و مرسول پوستی زیاد و در حدّ اشباع حدیث رفت، و اصل سخن کاملاً فراموش گشت. با اعتذار از خواننده گرامی میروم به اصل موضوع:

از آرزوهای قلبی شعراء و نویسندگان، و خصوصاً "شعراء" اینست که آثارشان حلیه طبع به تن کند و اثرگذار، خود شاهد اثر خود و دیوان خود باشد. مگر متأسفانه بسا کسا که آثارشان را بعد از خودشان منتشر ساخته‌اند و ازین هم بتر به فرموده استاد سخن سعدی شیرازی:

"ای بسا آرزو که خاک شده!!!"

ناظم صاحب باختری از شعرای نامدار و سخت دلسوخته وطن ما ست، که از قطره قطره و رشحه رشحه کلامش سوز و گداز میبارد. این سوز و گداز را بیشتر از همه در اشعاری مییابیم که در وصف وطن و مردم و درد دوری از هردو سروده شده‌اند. شاعر حبّ وطن را به معراج میرساند، وقتی فرماید:

ای وطن! قربان گرد و خاک تو بهتر از خاک تو دیگر خاک نیست
سرمه چشمان "ناظم" میشود گرد و خاکت درخور افلاک نیست

هیچ شاعر سرزمین ما بدین زیبایی و سوزناکی از وطن یاد نکرده است، یا که کرده است و من ندانم!!!

دو سال پیش شاهد چاپ قسمت اول دیوان استاد سخن، ملک الشعراء "اسیر" صاحب زیر عنوان "فریاد اسیر" بودیم. کمی پیشتر از آن دیوان اشعار مرحوم ملک الشعراء استاد محمد طاهر "هاتف" از چاپ برآمد و اندک پیشتر از آن "چهار مجموعه لطیف لندری"، که تقریباً مجموعه تمام اشعار عبداللطیف صدیقی لندری مرحوم را دربر میگرفت. لطیف جان لندری که به

ناخوشی و درد بیدرمان سرطان مبتلا گردیده بود و هر لحظه انتظار عزرائیل را میکشید، از فرزندان خود خواسته بود، که تمام اشعار وی را در یک مجلد چاپ کنند و او آن را ببیند. همان بود، که "چهار مجموعه" را عجالتاً در هشت جلد چاپ کردند و در دسترس نزدیکترین دوستان رسانیدند. یکی ازین هشت جلد، به این دوست اهداء گردید.

چاپ و نشر "تکیه گاه سخن"، گام ارجمند دیگری ست که وطن‌دازان سخنپرداز ما بر میدارند و باعث غنامندی بساط شعر و ادب دری وطن عزیز ما میگردند. من این موفقیت بزرگ را به خود شاعر گرانمایه، ناظم صاحب "باختری"، دوستداران شعر و ادب و تمام سیماط سخن دری تبریک گفته و آرزو میکنم که شاعر ما سالهای سال به صحت و عاقبت بسر برند و اشعار آبدار دیگر را تقدیم جامعه شعری ما نمایند.

در پهلوئی این همه زه و تحسین و آفرین و تهنیت و مبارکباد، ناگزیر از یادآوری دو نکته استم:

– نکته اول :

ناظم صاحب از مدت بیشتر از پنج سال بدین سو با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" همکاری میکنند، هر روز اشعار ایشان زیب و زینت این پورتال شده و با رونق و صحت و صحافت بی نظیر و منحصر به فرد، نشر میگردد، ولی شاعر از پورتال، که خانه خودشان هم هست، هیچ یاد نکرده و با ذکر جمله ای مجمل در "یاددهانی" خود، که حکم "مقدمه" را دارد، اکتفاء میکنند. ایشان در جمله اول این مقدمه چنین میفرمایند:

«با وجودی که در دو دهه اخیر اشعارم در معتبرترین و اکثریت نشرات خارج مرزی اشاعه گردیده با آنهم از چندین سال به اینطرف در صدد آن بودم تا اینها را خودم نیز بدست تایپ و چاپ بسپارم و مجلد نمایم»

ازین عبارت صریحاً بر می آید، که مراد شاعر از "نشرات خارج مرزی"، نشریات چاپی از قبیل "آئینه افغانستان" و "درد دل افغان" است، که به صورت کلاسیک و چاپی طبع و نشر میگشتند و شاعر با آنها همکاری داشته و اشعار خود را در آنها اشاعه میداده است.

خیلی میسزید که شاعر از زحمات روزمره پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" ذکری به میان می آوردند، و از نشر مصفا و بی خدشه اشعار خود درین صفحه انترنتی، که حامل و ناشر تمام اشعار ایشان بدین زیبایی و رونق میباشد، لااقل نام میبردند؛ خصوصاً که این همه اشعار شاعر در هیچ جای دیگر با این حجم و پهنا و صفائی و پاکیزگی نشر نگردیده است.

حتی جناب ملک الشعراء و فخرالشعراء، استاد "اسیر" صاحب هم، ضمن تقریظ خود که در صفحات ۹ تا ۱۲ کتاب چاپ گردیده است، فقط به ذکری با آب و تاب از مجله "آئینه افغانستان"، مجله "درد دل افغان" و "فصلنامه رنگین" چاپ همبورگ، اکتفاء کرده و در قسمت پورتال

"افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" یکسره خموشی اختیار کرده اند. شاید همان وجیزه عام درین مورد هم مصداق کامل خود را یافته باشد، که:

"آفتاب را از کثرت و شدت روشنی نمیتوان دید!!!!"

- و نکته دوم و مهمتر این که:

در تقریظی که به مناسبت تدوین "تکیه گاه سخن" ازین قلم نوشته شده و در صفحات ۱۳ تا ۱۸ همین کتاب افتخار نشر یافته است، چنین میخوانیم:

« چنان که تجربه نشان داده است، آثار مطبوع افغانی - خواه منظوم و خواه منثور - بلااستثناء از یک عیب کلان رنج میبرند و آن شیوع اغلاط بی شمار تاییبی و بعضاً املائی در متن این کتب است. دلیلش هم اینست که مؤسسات طبع و نشر کتب، افراد فنی موظف تصحیح و بازبینی متون را در اختیار ندارند و نویسنده و شاعر - یعنی صاحب اثر - هم نسبت به دلایل عدیده در موقفی قرار ندارند که آخرین پروف اثر خود را خود با دقت و حوصله فنی از نظر بگذرانند. اینست که وقتی آثار افغانها از چاپ بیرون می آیند، مشحون از اغلاط دوگانه فوق میباشند.

از همین سبب به دوست ارجمند ناظم صاحب باختری جداً پیشنهاد میکنم، که در "تکیه گاه سخن" فقط آن اشعاری را جای بدهند، که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شده اند و تا جایی که میدانم تمام اشعار و سروده های ناظم صاحب در پورتال مجال نشر پیدا کرده اند. این نکته را با این اطمینان پیشنهاد میکنم، که مطالب بنا بر خط مشی پورتال بعد از تصحیح املائی و تاییبی و تنظیم لازم در پورتال به نشر میرسند. و در قسمت اشعار عروضی نکته بسیار مهم دیگر تنظیم و رجه بندی دقیق مصاربع و ابیات است که نظیرش را در هیچ جای دیگر نمیتوان یافت، نه در صفحات انترنتی و نه در آثار مطبوع کلاسیک دری و فارسی که تاکنون عرضه گردیده اند؛ به شمول آثاری که در مطابع مجهز ایران چاپ هم شده اند. و اگر دقیقتر گفته شود، دقتی را که پورتال در نشر اشعار عروضی مراعاه میکند، منحصر به خود پورتال است و مانده اش را در هیچ جای دگر نمیتوان یافت.

خوشبختانه که تمام همکاران پورتال آرشیفهای مکملی در پورتال دارند که هم حالت "ورد" و هم "پی دی اف" مطالب را در بر میگیرد. و اگر این نکته را در مورد شعرای گرانقدر همکار پورتال توضیح دهم، اینست که:

تمام آرشیف اشعار این همکاران گرامی هم در هیئت "ورد" و هم در هیئت "پی دی اف"، در پورتال موجود است. پیشنهاد من به جناب باختری صاحب اینست که "تکیه گاه سخن" را فقط و

فقط با استفاده از همین آرشیف شان در پورتال تدوین کنند. من شخصاً دو نکته را به شخص ناظم صاحب باختری تضمین میکنم:

– یکی اینکه پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" تمام آرشیف جناب ایشان را به حیث یک تحفه حسن نیت در اختیار شان بگذارد.

– نکته دوم مهمتر از اولی ست و آن این که:

پورتال صحت املائی و تایپی و تنظیم و رجه بندی دقیق اشعار ایشان را تضمین میکند و تضمین میکند، که این سه نکته را از هیچ طریق دیگر تأمین کرده نخواهند توانست!!!!

در هر صورت من پیشنهاد درویشانه و دوستانه خود را خدمت دوست ارجمندم باختری صاحب تقدیم کردم، اختیار تصمیمگیری بدست خود ایشان خواهد بود...»

با تأسف که دوست و برادر نازنینم، شاعر آزاده و دلسوخته کلام و همکار همیشگی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" جناب الحاج ناظم صاحب باختری، به این پیشنهاد مخلصانه و برادرانه هیچ وقعی قائل نشدند و دیوان ارجمند خود، "تکیه گاه سخن"، را همان طوری نشر کردند، که دیگر شاعران و نویسندگان هموطن ما کرده اند!!!

درین میانه یگانه استثنائی که وجود دارد، "چهار مجموعه لطیف للندری" ست، که از بلیات املائی و چاپی در امان مانده است و دلیلش هم اینست، که مرحوم لطیف جان للندری، بیشتر از نود و نه درصد اشعار این مجموعه را، جنساً از روی آرشیفی که پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" در اختیارشان گذاشت، اخذ کردند.

قابل تذکر میدانم، که شاعر عالی مقام دیگر ما، جناب تیموری صاحب بزرگوار، هم اراده فرموده اند، تا مجموعه اشعار خویش را به چاپ برسانند. ایشان ازین ارادتمند خود خواهش کرده اند، که آرشیف اشعار ایشان را که در پورتال موجود است، در اختیارشان قرار بدهم، تا دیوان خویش را از روی همان آرشیف طبع فرمایند. و متأسفم که مدتی ازین امر میگذرد و من نسبت مصروفیتهای کثیر تاکنون فرمایش ایشان را که نسبتاً وقتگیر هم هست، برآورده ساخته نتوانسته ام. ازین بابت خود را شرمنده احساس میکنم.

مثلی که سخن به درازا کشید و به گله گزاری رسید؛ پس بهتر است که آن را به حسن ختامی برسانم.

مبارکی و آرزوی قلبی خود را مبنی بر صحت و جانجوری و پیروزی ناظم صاحب تجدید کرده و تمنا مینمایم که بدین "دیوان" بسنده نکنند و تا میتوانند اشعار آبدار جدید هم بسرایند و آویزه

گوشهای شعرپسندان وطن محبوب ما بگردانند!!!

با ابراز محبت